

فهرست مطالب

۱	فصل اول: کلیات تحقیق
۲	تعریف مسأله
۵	۱ - ۱- هدف از اجرا و کاربرد نتایج تحقیق:
۵	۱ - ۱ - ۱- اهداف کلی
۵	۱ - ۱ - ۲- اهداف جزئی
۵	۱ - ۱ - ۳- کاربرد تحقیق
۶	۱ - ۲- سابقه تحقیق
۶	۱ - ۲ - ۱- کتابها
۸	۱ - ۲ - ۲- پایان نامهها
۱۳	۱ - ۲ - ۳- مقالات
۱۵	۱ - ۳- سؤالات تحقیق
۱۵	۱ - ۴- روش تحقیق
۱۵	۱ - ۵- ساختار تحقیق
۱۹	فصل دوم: مبانی نظری تحقیق
۲۰	مقدمه
۲۰	۲ - ۱- توسعه سیاسی
۲۰	۲ - ۱ - ۱- تعریف توسعه
۲۴	۲ - ۱ - ۲- تعریف سیاست
۲۵	۲ - ۳- تاریخچه توسعه سیاسی
۲۷	۲ - ۴- تعریف توسعه سیاسی
۳۳	۲ - ۵- نظریه‌های توسعه سیاسی

- ۲ - ۶- شاخص‌های توسعه سیاسی----- ۳۷
- ۲- ۶- ۱- مشارکت سیاسی----- ۴۵
- ۲- ۶- ۲- احزاب سیاسی----- ۴۷
- ۲- ۶- ۳- روزنامه‌ها و مطبوعات----- ۵۱
- ۲- ۶- ۴- سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی (NGOs) و گروه‌های ذینفوذ:----- ۵۳
- ۲- ۶- ۴- ۱- NGOها----- ۵۳
- ۲- ۶- ۴- ۲- گروه‌های ذینفوذ----- ۵۹
- ۲- ۶- ۵- رسانه‌های غیررسمی----- ۶۳
- ۲- ۷- جامعه مدنی----- ۶۵
- ۲- ۷- ۱- معانی جامعه مدنی----- ۶۵
- ۲- ۷- ۲- تعریف جامعه مدنی----- ۶۸
- ۲- ۷- ۳- رابطه جامعه مدنی و دولت----- ۷۱
- ۲- ۷- ۴- دیدگاه‌ها نسبت به جامعه مدنی----- ۷۲
- ۲- ۷- ۵- موانع تحقق توسعه سیاسی و جامعه مدنی----- ۷۴
- ۲- ۷- ۵- ۱- خشونت سیاسی----- ۷۴
- ۲- ۷- ۵- ۲- وجود دولت استبدادی----- ۷۵
- ۲- ۷- ۵- ۳- تمرکز منابع قدرت----- ۷۶
- ۲- ۷- ۵- ۴- وجود شکاف‌های آشتی ناپذیر----- ۷۶
- ۲- ۷- ۵- ۵- وجود خرد دولتی----- ۷۷
- ۲- ۷- ۵- ۶- عدم ورود افراد به فرآیند دیالوگ----- ۷۷
- ۲- ۷- ۵- ۷- انحصار رسانه‌ای----- ۷۹
- ۲- ۷- ۵- ۸- عوامل دیگر----- ۸۰
- ۲- ۸- نتیجه‌گیری----- ۸۱

۸۳	فصل سوم
۸۳	مؤلفه‌های توسعه سیاسی در دوران محمود احمدی نژاد
۸۴	مقدمه
۸۴	۳ - ۱- مؤلفه‌های توسعه سیاسی در دوران سید محمد خاتمی
۸۴	۳- ۱- ۱- مشارکت سیاسی
۸۶	۳- ۱- ۲- احزاب سیاسی
۸۷	۳- ۱- ۳- روزنامه‌ها و مطبوعات
۸۸	۳- ۱- ۴- NGOها و گروه‌های دینفوذ:
۸۸	۳- ۱- ۴- ۱- NGOها
۸۹	۳- ۱- ۴- ۲- گروه‌های دینفوذ
۹۰	۳- ۱- ۵- رسانه‌های غیر رسمی
۹۱	۳- ۲- جمع‌بندی (دوران سید محمد خاتمی)
۹۲	۳- ۳- بررسی مؤلفه‌های توسعه سیاسی در دوران محمود احمدی نژاد
۹۲	۳- ۳- ۱- مشارکت سیاسی
۹۴	۳- ۳- ۲- احزاب سیاسی
۹۷	۳- ۳- ۳- روزنامه‌ها و مطبوعات
۱۰۶	۳- ۳- ۴- NGOها و گروه‌های دینفوذ
۱۰۶	۳- ۳- ۴- ۱- NGOها
۱۰۸	۳- ۳- ۴- ۲- گروه‌های فشار
۱۱۰	۳- ۳- ۵- رسانه‌های غیر رسمی
۱۱۱	۳- ۴- نتیجه‌گیری فصل سوم
۱۱۳	فصل چهارم: توسعه سیاسی در دوران ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد
۱۱۴	مقدمه

- ۴- ۱- وضعیت توسعه سیاسی در دوران ریاست جمهوری محمد خاتمی ----- ۱۱۴
- ۴- ۲- بررسی میزان شاخص‌های توسعه سیاسی در دوران محمود احمدی نژاد ----- ۱۲۱
- ۴- ۲- ۱- مشارکت سیاسی ----- ۱۲۱
- ۴- ۲- ۲- احزاب سیاسی ----- ۱۲۴
- ۴- ۲- ۳- روزنامه‌ها و مطبوعات ----- ۱۲۶
- ۴- ۲- ۴- NGOها و گروه‌های فشار ----- ۱۲۹
- ۴- ۲- ۴- سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی ----- ۱۲۹
- ۴- ۲- ۲- گروه‌های ذینفوذ ----- ۱۳۲
- ۴- ۲- ۵- رسانه‌های غیررسمی ----- ۱۳۳
- فصل پنجم: نتایج تحقیق ----- ۱۳۵
- مقدمه ----- ۱۳۶
- ۵- ۱- در پی طرح جوابی برای سؤال اصلی: ----- ۱۳۶
- ۵- ۱- ۱- مشارکت سیاسی ----- ۱۳۶
- ۵- ۱- ۲- احزاب سیاسی ----- ۱۳۷
- ۵- ۱- ۳- روزنامه‌ها و مطبوعات ----- ۱۳۸
- ۵- ۱- ۴- NGOها و گروه‌های ذینفوذ ----- ۱۴۰
- ۵- ۱- ۵- رسانه‌های غیررسمی ----- ۱۴۲
- ۵- ۲- پاسخی به سؤال دوم ----- ۱۴۳
- ۵- ۳- میزان فعالیت منتقدان و مخالفان ----- ۱۴۴
- ۵- ۴- نتیجه‌گیری کلی ----- ۱۴۵
- ۵- ۵- راه‌کارهای توسعه سیاسی در ایران ----- ۱۴۷
- ۵- ۶- پیشنهادها ----- ۱۴۹
- ۵- ۷- محدودیت‌های تحقیق ----- ۱۵۰

منابع ----- ۱۵۱

الف) فارسی ----- ۱۵۱

۱- کتابها ----- ۱۵۱

۲- مقالات ----- ۱۵۹

۳- روزنامه‌ها و جراید ----- ۱۶۳

ب) لاتین ----- ۱۶۳

ج) منابع اینترنتی و سایت‌های خبری ----- ۱۶۴

چکیده

هدف این تحقیق بررسی توسعه سیاسی در دوران ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد می‌باشد. سؤال اصلی تحقیق: «در دوران ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد توسعه سیاسی هستیم چگونه بوده است؟» می‌باشد. توسعه سیاسی نیز چنین تعریف می‌شود: «میزان ظرفیت و تحمل نظام سیاسی در برابر نظریات و رفتارهای اجتماعی — سیاسی افراد و گروه‌های مخالف و منتقد». شاخص‌های توسعه سیاسی عبارتند از: مشارکت سیاسی، احزاب سیاسی، روزنامه‌ها و مطبوعات، NGOها و گروه‌های ذینفوذ و در نهایت رسانه‌های غیر رسمی. بر اساس این شاخص‌ها، ابتدا میزان توسعه سیاسی در دوران خاتمی در نظر می‌گیریم تا بتوان تغییرات احتمالی را نسبت به آن سنجید.

بررسی مشارکت سیاسی نشان می‌دهد که این مؤلفه به عنوان یکی از شاخص‌های توسعه سیاسی در نازل‌ترین سطح آن یعنی رأی دادن بسیار مطلوب بوده است. در حالی که فعالیت روزنامه‌های منتقد و احزاب سیاسی به عنوان سطوح بالای مشارکت در حد بسیار نازل قرار دارد و لذا بر این اساس شاخص مشارکت سیاسی در این دوره به حد مطلوب نبوده است. از آنجایی که وی هیچ سهمی را برای احزاب سیاسی جهت دخالت در امور سیاسی قائل نمی‌شود، بنابراین فعالیت حزبی نیز رو به افول بوده است. بررسی روزنامه‌ها و مطبوعات نشان می‌دهد که دولت مانع فعالیت بسیاری از نشریات منتقد می‌شود. وی حتی مانع فعالیت گروه‌های ذینفوذ و NGOها می‌شود. رسانه‌های غیررسمی به عنوان آخرین معیار، ظرفیت نظام سیاسی را نسبت به مخالفان در سطح نازلی نشان می‌دهد. بر اساس این پژوهش پاسخ به سؤال اصلی تحقیق مثبت می‌باشد.

کلمات کلیدی: توسعه سیاسی، احمدی نژاد، مشارکت سیاسی، احزاب سیاسی، روزنامه‌ها و

مطبوعات.

فصل اول: کلیات تحقیق

تعریف مسأله

مقوله توسعه ماهیتی ارزشی، هنجاری و نسبی دارد، توسعه امری پیچیده و چند بعدی است و به سادگی نمی‌توان با شاخص‌های کمی نظیر درآمد سرانه، ازدیاد پس انداز و سرمایه گذاری و انتقال تکنولوژی اندازه گیری کرد. انسان هدف توسعه و نیز در عین حال ابزار و مجری برنامه‌های توسعه نیز است. در یک جامعه مفروض افراد برای اهداف مشترکی کار می‌کنند، آن‌ها در ارتباط با یکدیگر قرار دارند و رفتارهای آن‌ها بر یکدیگر اثر می‌گذارد. توسعه ابعاد گوناگونی دارد که از توسعه سیاسی، توسعه اقتصادی، توسعه فرهنگی و ... می‌توان نام برد. بنا به نظر برخی توسعه سیاسی مرحله نهایی توسعه می‌باشد. توسعه سیاسی فرآیندی است که زمینه لازم را برای نهادینه کردن تشکل و مشارکت سیاسی فراهم می‌کند که حاصل آن افزایش توانمندی یک نظام سیاسی است (قوام ۱۳۷۳: ۶).

بحث توسعه سیاسی که از دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ وارد حوزه مطالعات مقایسه‌ای شد، بنا به اهمیت و تازگی موضوع از بحث برانگیزترین موضوعات میان صاحب نظران شد. پس از این دو دهه نظریه‌های مختلفی در رابطه با توسعه سیاسی و شاخص‌های توسعه نیافتگی سیاسی در جهان سوم پرداخته شد. این موضوع پس از استقلال مستعمرات و تشکیل دولت‌های ملی و نیاز به توسعه و رشد اقتصادی ذهن اکثریت نخبگان حاکم و اندیشمندان سیاسی را به خود مشغول داشت. در واقع اندیشمندان این کشورها الگوهای توسعه‌ای را مدنظر داشتند که در کشورهای غربی و بخصوص اروپا و آمریکا مورد توجه قرار داشت. نظریه‌های مختلفی درباره توسعه در کشورهای جهان سوم به مورد اجرا گذاشته شد، نظریه‌هایی که هرکدام شاخص‌ها و مؤلفه‌ها و نیز نقاط ضعف و قوت خاص خود را داشتند و در واقع اکثر این نظریات بیشتر خصلت‌های ساختاری نظام حکومتی غرب (دموکراسی) را برای توسعه کشورهای جهان سوم در طی نیمه دوم قرن بیستم مد نظر داشتند. ولی بعدها عده‌ای کوشیدند تا نظریه‌هایی منحصر به فرد را متناسب با ساختارهای این کشورها مطرح کنند و این کوشش‌ها تا هم اکنون ادامه دارد و از نظریه پردازان آن در ایران می‌توان به حسین سیف زاده، محمود سریع القلم، حسین بشیریه، عبدالعلی قوام و چندین محقق دیگر اشاره نمود (بدیع، ۱۳۸۴: ۱۲ - ۱۱).

توسعه سیاسی شاخص‌ها و مؤلفه‌های زیادی دارد و می‌توان از حقانیت سیاسی به عنوان اساسی -ترین نمادهای توسعه سیاسی در یک واحد سیاسی نام برد به عبارتی حق پنداشتن یک نهاد، رژیم یا یک برنامه سیاسی. اگر حقانیت سیاسی وجود داشته باشد آن‌گاه هزینه‌های عملیاتی بقاء و تحول بسیار کاهش می‌یابد؛ یعنی حقانیت سیاسی منبع اعتماد سازی در شهروندان برای نهاد، رژیم و برنامه سیاسی است. ماکس وبر در این باره چنین می‌نویسد: القای احساس حقانیت سیاسی احتمالاً یکی از اساسی‌ترین حمایت‌ها است که به نفع دولت‌ها و حکومت‌ها صورت گرفته است. به نظر سیمور مارتین لیپست حقانیت سیاسی حاکی از توانایی هر نظام در ایجاد و حفظ این باور است که نهادهای سیاسی موجود مناسب‌ترین نهادها برای انجام کارکرد سیاسی است. دیوید اپتر نیز حقانیت سیاسی را چنین تعریف می‌کند: مجموعه‌ای از تصورات بخش قابل توجهی از جامعه سیاسی درباره یک الگوی سیاسی که به تمهید الگوهایی می‌انجامد که حاوی مجموعه‌ای از محدودیت‌ها برای اقدام حکومتی می‌شود. در ارتباط با حقانیت سیاسی است که رفتار صحیح اداری تعریف می‌شود و در زمان بازستانی حقانیت حکومت تضعیف می‌شود (سیف زاده، ۱۳۸۸: ۲۱ - ۲۰).

عبد الرحمن عالم معتقد است که توسعه سیاسی به دلیل مطالعات فراوانی که از دیدگاه مطالعات میان رشته‌ای درباره رشد و نوسازی و توسعه دولت‌های جدید در جهان سوم صورت گرفته است، تعریف دقیق و مشخصی ندارد. نام‌های لوسین پای، آلموند، بایندر، آپتر، لاسول و شمار زیادی از دیگر متفکران در این زمینه مطرح است که درباره نهادهای اجتماعی - سیاسی و فرهنگی کشورهای در حال توسعه بویژه از دیدگاه‌های اقتصادی، اجتماعی، روان‌شناختی، مردم‌شناختی و سیاسی، مطالعات تجربی زیادی کرده‌اند تا روند تغییر در این کشورها را توضیح دهند. لوسین پای را باید نخستین پژوهشگری دانست که «مفهوم توسعه سیاسی» را با ژرفنگری ویژه‌ای تحلیل و نظریه‌هایی را درباره آن مطرح کرد. او کار خود را از ۱۹۶۳ آغاز کرد و با توجه به گسترش فرهنگی، به توسعه سیاسی از نظر پذیرش، تلفیق و اصلاح الگوهای قدیمی زندگی با نیازهای جدید می‌اندیشد. وی تأکید می‌کند که نخستین گام در راه توسعه سیاسی، تکامل یافتن نظام دولت ملی است. او توسعه

سیاسی را مفهومی اساسی می‌دانست که به تدریج، در همه جوامع گسترش می‌یابد و می‌توان از آن به عنوان «فرهنگ جهانی» یاد کرد (عالم، ۱۳۸۲: ۱۲۴).

اگر بخواهیم تعریفی از توسعه سیاسی ارائه دهیم که اکثر جوانب آن را در نظر گیرد و تقریباً جامع باشد، می‌توانیم به تعریف زیر اشاره کنیم: افزایش ظرفیت و کارایی یک نظام سیاسی در حل و فصل تضادهای منافع فردی و جمعی، ترکیب مردمی بودن (میزان تعیین‌کنندگی و نقش مردم در نظام سیاسی)، آزادی و تغییرات اساسی در یک جامعه. اکثر اندیشمندان توسعه سیاسی را با رشد دموکراسی مترادف دانسته‌اند و معتقدند که هر اندازه یک نظام سیاسی از انعطاف‌ناپذیری به انعطاف-پذیری، از سادگی به پیچیدگی، از دنباله روی به خودمختاری و از پراکندگی به یگانگی گرایش پیدا کند، به همان نسبت توسعه سیاسی در آن نظام افزایش می‌یابد. در این میان نوسازی سیاسی بیشتر به برقراری تعاملات سیاسی اشاره می‌کند، در حالی که توسعه سیاسی بیشتر جنبه رفتاری و بنیادی دارد. به بیان دیگر در حالی که نوسازی سیاسی با جنبه‌های روبنایی توسعه سروکار دارد، توسعه سیاسی به دگرگونی‌های زیربنایی مربوط می‌شود. سه عامل سازمان، کارایی، تعقل عملی و همبستگی ایدئولوژیک رهبران و پیروان را از لوازم توسعه سیاسی می‌دانند (آقابخشی، افشاری راد، ۱۳۸۴: ۵۱۹ - ۵۱۸).

بررسی دوران ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد نشان می‌دهد که وی در سیاست داخلی برای توسعه اقتصادی نسبت به توسعه سیاسی اهمیت بیشتری قائل بود، چنان که از متن سخنرانی‌ها و سفرهای استانی وی نیز پیداست او به طور کلی بیشتر به اقتصاد توجه داشت. پخش سهام عدالت، برداشتن یارانه از کالاها، طرح مسکن مهر، خصوصی سازی و دادن یارانه‌های نقدی و به طور کلی هدفمند کردن یارانه‌ها اقداماتی در راستای توسعه اقتصادی بود. در زمینه توسعه سیاسی باید به بررسی وضعیت مشارکت سیاسی، تعدد و تنوع مجلات و نشریات منتقد دولت، پاسخ‌گویی مسئولان به منتقدان و مخالفان و کلاً نقش و میزان آزادی مخالفان، وضعیت احزاب و گروه‌های مخالف، وضعیت آزادی بیان و ... پرداخته شود. نگارنده در این تحقیق به دنبال بررسی شاخص‌های توسعه سیاسی در دوره مذکور می‌باشد. بنابراین سؤال اصلی که این تحقیق به دنبال آن می‌باشد عبارت

است از اینکه: «وضعیت توسعه سیاسی در دوران ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد چگونه بوده است؟».

۱-۱-۱- هدف از اجرا و کاربرد نتایج تحقیق:

۱-۱-۱- اهداف کلی

همان گونه که از عنوان تحقیق برمی آید هدف بررسی توسعه سیاسی در دوره ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد می باشد. تصور می شود که انجام این پژوهش می تواند باعث روشن تر شدن نقاط ضعف و قوت موضوع شود. بنابراین با شناخت ضعفها می توان در جهت برطرف کردن آنها اقدام کرد همچنین با شناخت نقاط قوت نیز می توان به ارتقاء آنها کمک نمود.

۱-۱-۲- اهداف جزئی

توسعه سیاسی مراحل و سطوح مختلفی دارد، وقتی که توسعه سیاسی نوسان می یابد سبب تغییراتی در خارج و داخل نظام سیاسی می شود. تغییرات در خارج از دولت یا نظام سیاسی می تواند سبب کاهش یا افزایش منتقدان و مخالفان شود و همچنین می تواند تغییراتی مثبت یا منفی را در مطبوعات کشور به وجود آورد و نوسان توسعه سیاسی در داخل نظام سیاسی می تواند دخالت قدرت دولت در سطوح خصوصی را سبب شود. این تحقیق تلاش می کند عواملی را که باعث تحدید توسعه سیاسی می گردند شناسایی کند؛ همچنین اهداف جزئی می تواند دلایل کاهش یا افزایش منتقدان و احزاب مخالف را مورد کاوش قرار دهد.

۱-۱-۳- کاربرد تحقیق

نتایج این تحقیق می تواند مورد استفاده مسئولان کشوری در آینده ای دور یا نزدیک از جمله وزارت کشور، نهاد ریاست جمهوری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و اساتید دانشگاه، پژوهشگران و دانشجویان قرار گیرد.

۱-۲- سابقه تحقیق

۱-۲-۱- کتاب‌ها

کتاب «عقلانیت و توسعه یافتگی» اثر محمود سریع القلم:

نویسنده در این کتاب بر تداوم دغدغه‌هایش یعنی «پیشرفت، توسعه یافتگی و ثبات سیاسی ایران» تاکید دارد و مشکل عمده توسعه‌نیافتگی ایران را نه در افکار بلکه «در شخصیت پرورش نیافته» ایرانیان می‌داند و به قول خودش: مشکل ما چگونگی تبدیل فکر به عمل است، مشکل ما ناتوانی در سیستم ساختن است. وی دو پایه متدولوژیک تمدن غرب، سامان‌دهی و تشکل و ظرفیت نقدپذیری افراد می‌داند. وی بر این باور است که ما در هر دو مورد ضعیف هستیم.

در فصل اول این کتاب یعنی «مقدمه نظری: مکتب تحول شخصیت ایرانی» نویسنده کوشیده مبانی نظری دیدگاه خود پیرامون مساله توسعه را مبتنی بر ویژگی‌های فرهنگی جامعه ایران بیان کند. او در این فصل رهیافت اساسی خود به مساله توسعه را با تفکیک میان اصول ثابت توسعه و الگوهای آن روشن می‌کند و تلویحاً در برابر دیدگاه‌هایی قرار می‌گیرد که با هیاهوهای ایدئولوژیک، اصول توسعه را نادیده می‌انگارند و بر روش‌های آزموده نشده و غیر علمی بنا می‌گردند. در فصل دوم کتاب، سریع القلم با طرح نظریه انسجام درونی، توسعه یافتگی را یک تصمیم سیاسی و حکومتی می‌خواند که بر زمینه‌سازی‌های فرهنگی استوار می‌شود، «یعنی اگر فرهنگ متحول شود، توسعه یافتگی میسر خواهد شد». فصل سوم با عنوان «نخبگان و توسعه یافتگی» با تعریف نخبگان ابزاری و نخبگان فکری و تفکیک نهادن میان استراتژی ملی از سیاست روز، نقش و اهمیت نخبگان را در مباحث توسعه مورد بحث قرار می‌دهد. نویسنده در فصل دیگری از این کتاب اصول ثابت توسعه سیاسی را در دوازده اصل مورد بررسی قرار می‌دهد. بخش سوم کتاب مساله توسعه یافتگی را از منظری جهانی مورد بحث قرار می‌دهد. اما مقالات بخش چهارم کتاب به مساله ایران به طور خاص اشاره دارد و توسعه‌یافتگی ایران را از زوایایی چون سیاست خارجی جمهوری اسلامی، استراتژی فراملی، بحث دموکراسی، توسعه اقتصادی و آسیب‌شناسی گفتمان توسعه ایرانی مورد بحث قرار می‌دهد.

کتاب «نقد نظریه‌های نوسازی و توسعه سیاسی» اثر دکتر قوام:

این کتاب دارای ۱۲ فصل می‌باشد. در فصل اول به موضوع روش‌شناسی در زمینه مطالعات نوسازی و توسعه سیاسی می‌پردازد. موضوع فصل دوم، نظریه پردازی در غرب و تطابق آن با جهان سوم است که در این راستا به نظریه‌های جبرگرایی - تکاملی، نظریه‌های هنجاری و نظریه‌های توصیفی - تحلیلی اشاره می‌کند. در فصل سوم، موضوع اغتشاش فکری در فرآیند نظریه پردازی در باب نوسازی و توسعه سیاسی مورد بررسی قرار می‌گیرد. فصل چهارم به مفهوم سازی توسعه سیاسی در فرآیند تجربه اختصاص دارد. در فصل پنجم به رهیافت ساختار- عملکردی و تجزیه و تحلیل سیستمی از توسعه و نوسازی سیاسی می‌پردازد. در فصل ششم رهیافت بوروکراتیک را بررسی می‌کند. در فصل هفتم رهیافت توسعه و توسعه نیافتگی و نظریه وابستگی را مطرح می‌کند. در فصل هشتم نوسازی و توسعه سیاسی را بر اساس تئوری بحران مورد بررسی قرار می‌دهد. در فصل نهم به مسأله عدم تطابق نظریه‌های توسعه و نوسازی سیاسی با شرایط جهان سوم می‌پردازد. فصل دهم به مسأله ناهمگونی جوامع سیاسی در روند نظریه‌پردازی اختصاص دارد. در فصل یازدهم به نواقص و کمبودهای مفهومی در فرآیند مطالعه نوسازی اشاره می‌شود. فصل دوازدهم «نسبی گرایی و عام گرایی» در روند توسعه و نوسازی سیاسی را مطرح می‌کند.

کتاب «توسعه و کشورهای توسعه نیافته» اثر یوسف نراقی:

این کتاب دارای هفت فصل می‌باشد. عنوان فصل اول جامعه‌شناسی و توسعه، فصل دوم با عنوان توسعه شاخص‌های توسعه می‌باشد که نویسنده در این فصل به انواع توسعه و شاخص‌های مهم توسعه می‌پردازد. در فصل سوم با عنوان کشورهای توسعه نیافته وی به بررسی ویژگی‌های اقتصادی، در حالت کلی به سیستم اقتصادی این کشورها اشاره دارد. در فصل بعد کشورهای صنعتی و ویژگی‌ها و عواملی که باعث رشد و توسعه این کشورها شده (عوامل درونی مانند رشد و توسعه کشاورزی و عوامل بیرونی مانند استعمار و برده داری) است را مورد مطالعه قرار می‌دهد. وی در فصل پنجم توسعه نیافتگی کشورهای جهان سوم را به دلیل عوامل درونی (مثل رشد بی‌رویه جمعیت، موانع فرهنگی، محدودیت‌های نیروی انسانی ماهر و غیره) و عوامل بیرونی آن (مانند

انقلاب صنعتی، رابطه استعماری، برخورد تاریخی و تجارت خارجی) می‌داند. در فصل ششم وی نظریه‌های جامعه‌شناختی توسعه مانند نظریه تراوش گرایی، نظریه روان‌شناختی، نظریه دوگانگی و غیره را شرح می‌دهد و نظریات توسعه را به دو دسته رادیکال و غیر رادیکال تقسیم می‌کند. عنوان فصل آخر از این کتاب که «طرح کلی پروژه توسعه» است را وی بر توسعه روستا و اهداف صنعتی کردن روستا اختصاص می‌دهد. گو این که وی بر این نظر است که راه توسعه از راه روستا می‌گذرد و نه این که ما باید توسعه پیدا کنیم با شناخت دقیق عناصر فرهنگ سنتی هر جامعه و با مطالعه دقیق منابع مادی و نیروی انسانی، استفاده امکانات صنعتی نوین و پیشرفته به توسعه همه جانبه روستا بپردازیم.

کتاب «موانع توسعه سیاسی در ایران» اثر حسین بشیریه:

این کتاب، هدف توسعه سیاسی را گسترش مشارکت و رقابت گروه‌های اجتماعی در زندگی سیاسی و یا دست کم در میان گروه‌های برگزیده می‌داند. این کتاب پس از طرح تمهیدات نظری، به طور کلی دارای سه قسمت است که عبارتند از: ساخت قدرت مطلقه سیاسی، چند پارگی‌های اجتماعی، و نیز فرهنگ سیاسی گروه‌های حاکم. به نظر نویسنده، همین سه موضوع، موانع اصلی توسعه سیاسی هستند که میان آنها نیز روابط پیچیده دیالکتیکی وجود دارد. به طور کلی، این کتاب معتقد است که هیچ رابطه منطقی و ضروری میان توسعه اقتصادی و تمرکز منابع قدرت در دست حکومت وجود ندارد. انباشت سرمایه در جوامع توسعه نیافته، از نظر اقتصادی به شیوه‌های گوناگونی رخ داده است. بدین ترتیب، باز تأکید می‌شود که مانع اصلی در ساخت قدرت، از لحاظ توسعه سیاسی، تمرکز فزاینده منابع قدرت از انواع مختلف آن بوده است. بر این اساس، کتاب، سیر تمرکز قدرت در دوره‌های گوناگون حکومت شاه را ترسیم و تحلیل نموده است.

۱-۲-۲- پایان نامه‌ها

پایان نامه‌های زیادی در رابطه با این موضوع به تحریر درآمده‌اند که در زیر به تعدادی از این پایان‌نامه‌ها اشاره می‌کنیم. به عنوان اولین مثال می‌توان از پایان‌نامه شریعت پناهی تحت عنوان «توسعه سیاسی و تمرکز قدرت در ایران» که در دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۷ انجام شده، نام برد.

این تحقیق که نظام سیاسی ایران را شخصیت‌گرا تلقی کرده اندیشه سیاسی رهبران بویژه رهبران انقلاب را در سرنوشت توسعه سیاسی بسیار تعیین کننده می‌داند و به تحلیل نظرات سیاسی امام خمینی می‌پردازد و در پی رابطه این اندیشه‌ها با توسعه سیاسی و همچنین به دنبال تحلیل کلی جمهوری اسلامی ایران و برخورد آن با شاخصه‌های توسعه سیاسی می‌باشد. این تحقیق همچنین تغییر و تحول در شاخص‌ها و شرایط مورد نیاز را در دهه اول انقلاب بررسی می‌کند. به طور کلی از این تحقیق این گونه استنباط می‌شود که میان تمرکز قدرت و توسعه سیاسی در ایران بعد از انقلاب ۱۳۵۷ رابطه همبستگی منفی بوده به عبارتی بعد از انقلاب ما شاهد تمرکز قدرت در دست دولت بوده‌ایم و به تبع توسعه سیاسی نیز رشدی منفی داشته است.

«تحزب و توسعه سیاسی در نظام جمهوری اسلامی ایران» از دیگر تحقیقاتی است که در سال ۱۳۷۲ موسوی در دانشگاه امام صادق (ع) به انجام رسانده است. در این پایان نامه نگارنده سعی کرده است تا به این سؤال پاسخ دهد که با توجه به شرایط حاکم بر نظام جمهوری اسلامی ایران، یعنی پس از بوجود آمدن انقلاب اسلامی و پشت سر گذاشتن هشت سال دفاع مقدس و نظر به برنامه‌های پیش‌بینی شده جهت توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و وجود این فرضیه که تحزب در توسعه کشور ما نقش مثبتی ایفاء می‌نماید، آیا می‌توان جمهوری اسلامی ایران را موردی منطبق بر این فرضیه دانست؟ به عبارتی تحزب در توسعه سیاسی ایران نقش مثبتی را ایفا کرده است؟ نویسنده در این تحقیق اعتقاد دارد که با توجه به این که زیرساخت‌های اجتماعی جوامع مختلف، دارای نقطه اشتراک و اختلاف می‌باشند. همچنین با توجه به این که زیرساخت‌های اجتماعی یک جامعه در روندی بلند مدت شکل می‌گیرد و تغییر آن‌ها نیز بطنی و بلند خواهد بود و نیز با توجه به این که از انقلاب اسلامی ایران کم‌تر از دو دهه گذشته است، همچنین با توجه به این مسأله که فرهنگ سیاسی ایران، فرهنگی سنتی بوده است، بنابراین سیستم حزبی در ایران بعد از انقلاب شکل نگرفته است و در نهایت می‌توان گفت که تحزب در جمهوری اسلامی ایران نقش مثبتی نداشته است.

پایان نامه غمیلو تحت عنوان «نقش بوروکراسی در توسعه سیاسی ایران» که در سال ۱۳۷۱ در دانشگاه امام صادق (ع) به انجام رسیده است، به نقش و چگونگی عملکرد بوروکراسی اداری در توسعه سیاسی در ایران می‌پردازد. وی بوروکراسی ناکارآمد را در کشورهای جهان سوم یکی از موانع توسعه می‌داند، بوروکراسی‌ای که در این کشورها حاکم است به عنوان یکی از ابزارهای اعمال قدرت حکومت بر جامعه به کار می‌رود. مؤلف این رساله به این نتیجه می‌رسد که وجود چنین بوروکراسی در ایران با توسعه سیاسی به نوعی مقابله نموده و مانعی در برابر آن به شمار می‌رفته است.

«بررسی تطبیقی توسعه سیاسی در دولت‌های هاشمی و خاتمی» نیز عنوان پایان نامه‌ای است که حیدری در دانشگاه علامه طباطبایی در سال ۱۳۸۸ به تحریر در آورده است. بر طبق این تحقیق حیدری چنین نتیجه می‌گیرد که در دوران ریاست جمهوری خاتمی ما شاهد افزایش توسعه سیاسی بوده‌ایم به عبارتی دیگر شاخص‌های توسعه سیاسی در دوران خاتمی در مقایسه با دوران هاشمی رفسنجانی از رشد قابل توجهی برخوردار بوده است. وی دلایل وجود این رشد را در ماهیت این دولت‌ها می‌داند به عبارتی با توجه به این که دولت خاتمی یک دولت توسعه‌گرا در بعد سیاسی بود و به توسعه سیاسی اهمیت بیشتری می‌داد، چنین رشدی طبیعی می‌نمود.

پایان نامه‌ای تحت عنوان «توسعه سیاسی در ایران پس از خرداد ۱۳۷۶» توسط راهبر در ۱۳۸۵ به انجام رسیده است که نویسنده در آن توسعه سیاسی در ایران را در دوران اصلاحات مورد بررسی قرار داده است در این رساله نویسنده چنین نتیجه می‌گیرد که با وجود یک دولت اصلاح‌گر در رأس دولت، دولت اصلاح طلب سید محمد خاتمی در تحقق هر چند نسبی جامعه مدنی و توسعه سیاسی ناکام ماندند. وی دلایل این ناکامی را ساختار نظام سیاسی ساختاری که ایدئولوژیک می‌باشد، فقدان استراتژی کارآمد، ضعف تئوریک، عدم همبستگی تشکیلاتی مناسب و حمایت مردم می‌داند.

«جهانی شدن و توسعه سیاسی: روند جهانی شدن و مقاومت در مقابل آن (ایران و ترکیه دهه‌های ۱۹۸۰ - ۱۹۹۰)» رساله دوره دکتری رشته علوم سیاسی توسلی رکن آباد می‌باشد که در سال ۱۳۸۰ به تحریر در آمده است. در این رساله وی چنین نتیجه می‌گیرد که در مقام مقایسه و در تحلیل نهایی روند توسعه تحت تأثیر فرآیند جهانی شدن به دلیل انطباق بیشتر ترکیه با این

فرآیند شتاب بیشتری داشته است. در ایران نیز بویژه پس از جنگ با عراق از سلطه نهاد دولت به عنوان مرکز ثقل سیاسی کاسته شده و نوعی توزیع قدرت را به همراه خود داشته است و مقابله با این فرآیند از سوی نخبگان سیاسی دو کشور نیز عموماً در زمینه مشارکت سیاسی مؤثر و تعدیل قدرت حکومتی بوده است.

پایان نامه‌ای با موضوع «چند پارگی فرهنگی و تأثیر آن بر توسعه سیاسی در ایران معاصر» توسط علیخانی در بهار ۱۳۸۲ به انجام رسید. این تحقیق به چند پارگی فرهنگی در ایران که بیشتر ناشی از شکاف‌های تمدنی بوده است و از رویارویی دو نظام معرفتی با ارزش‌های کاملاً از هم متمایز حکایت دارد، می‌پردازد. چالش بین این دو نظام باعث ایجاد جو بدبینی، بی‌اعتمادی، ترس و خشونت در حوزه سیاسی و اجتماعی شده و مانع به وجود آمدن تساهل لازم برای مشارکت و رقابت سیاسی که از شاخص‌های اصلی توسعه سیاسی می‌باشند، گردیده است.

پایان نامه حسن زاده با عنوان «بررسی رابطه توسعه سیاسی و اقتصادی با امنیت و بیکاری در ایران» که در سال ۱۳۸۲ در دانشگاه تهران به انجام رسیده است دیگر پایان نامه‌ای است که در آن مؤلف در نهایت چنین نتیجه‌گیری می‌کند که: راهبردها و سیاست‌های تدوین شده برای بالا بردن توان ضریب اشتغال در راستای مبارزه علیه بیکاری بعد از انقلاب اسلامی و نیز در سایه سه برنامه اول توسعه کشور، شکاف بین عرضه و تقاضای موجود را نه تنها تأمین ننموده است بلکه هر روز به ابعاد این شکاف اضافه می‌گردد. مسأله این است که بعد از انقلاب اسلامی همواره یک مسأله سیاسی محسوب می‌شده است و شیوه برخورد با آن تابع اقتضاهای سیاسی و امنیتی و بحران‌های سیاسی بوده است. بنابراین بیکاری به عنوان یک حلقه واسطه میان عدم توسعه سیاسی و توسعه اقتصادی در تشدید این توسعه نیافتگی مؤثر می‌باشد.

«عقل‌گرایی در اصولی‌گری شیعی و توسعه سیاسی: جمهوری اسلامی ایران» که در سال ۱۳۷۶ به تحریر درآمده است رساله دوره دکتری علی کریمی مله می‌باشد، وی در این تحقیق به این نتیجه می‌رسد که: وجود اصل اجتهاد که خود متضمن توجه به شرایط و مقتضیات زمان و مکان، موضوع شناسی در پرتو آن دو، تطبیق فروع و جزئیات بر اصول کلی است، تنوع موضوعات استنباط شده

شرعی و عرفی که شارع مقدس تصمیم‌گیری در مورد موضوعات عرفی از جمله اغلب مسائل سیاسی را به عهده عقل و عرف بشری واگذار کرده است، احکام ثابت و متغیر در اسلام، توجه به عنصر مصلحت و ضرورت در رفتار سیاسی و در صدور احکام حکومتی نشان می‌دهد که عقل به عنوان یکی از ابزارهای شناخت و عقل‌گرایی به معنی حساسیت به زمان و مکان، رعایت ابعاد و جوانب گوناگون مسائل و انعطاف‌پذیری در صدور احکام مناسب برای موضوعات متنوع در مکتب اصولی شیعه به رسمیت شناخته شده است. از دیگر سو ضرورت مشورت حکومت اسلامی با صاحب نظران در موضوعات و زمینه‌های مختلف عرفیه، اصل نصیحت و انتقاد سازنده از زمام‌داران اسلامی، وجوب مشارکت سیاسی در لباس امر به معروف و نهی از منکر، عقلانیت در سازمان حکومت و ابتدای آن بر عقل‌کارشناسی جمعی، خشونت‌گریزی از سیاست و کیش‌زدایی از آن، نقش عقل، عرف و اراده انسان‌ها، در فعلیت بخشیدن و تحقق حکومت اسلامی، حاکی است که: مذهب شیعه در چارچوب احکام و تعالیم الهی وسعت قابل ملاحظه‌ای برای عقل و اراده جمعی انسان‌ها قائل شده است و با بیان حقوق و تکالیف متقابل دولت و مردم زمینه‌های نظری برای تکوین جامعه مدنی پویا، پرسش‌گر و دولت‌پاسخ‌گو را فراهم ساخته است و از این زاویه نه تنها شاخه اصولی مذهب شیعه مانع توسعه سیاسی - به عنوان روش و نه فلسفه و جهان‌بینی غربی - نیست بلکه اصول و چارچوب‌های لازم برای نیل به توسعه سیاسی ناموزون و ناظر به نیازهای دنیوی و اخروی را تدارک دیده است. البته ضرورت حرکت در قالب قوانین اسلامی حکومت شیعی را از قالب نظام‌های سیاسی لیبرال - دموکراسی خارج می‌سازد، به دیگر سخن حکومت شیعی در محتوی تئوکراتیک و در روش دموکراتیک است و این دو لزوماً جمع‌ناپذیر نیستند.

فلاح رحمت‌آبادی در سال ۱۳۹۰ پایان‌نامه‌ای تحت عنوان «بررسی تأثیر فرهنگ سیاسی نخبگان سیاسی بر توسعه نیافتگی سیاسی ایران پس از انقلاب اسلامی» در دانشگاه یزد به تحریر در آورده است. مؤلف در این تحقیق سعی دارد که به این سؤال پاسخ گوید که «در ایران پس از انقلاب اسلامی، نقش فرهنگ سیاسی و توسعه نیافتگی سیاسی چه بوده است؟» وی در پی پاسخ‌گویی به این سؤال، این فرضیه را مطرح می‌کند که «مهم‌ترین عامل توسعه نیافتگی سیاسی پس از انقلاب